

فهرست

جزوه دویست و سی و هفتم - گفتارهای عرفانی

کنیده‌هایی از بیانات ارسطو (۱۳۹۶) (قسمت دوم)

حضرت آقایی حاج دکتر نورعلی تاننده (محبوب‌علی‌شاه)

عنوان

صفحه

خداوند هر نیازی که برای ما آفریده، خودش هم طریقه‌ی حلّش را آفریده باید از آن راه رفت / هر چیز را در موقعش باید استفاده کرد. ۱۰

خداوند همین بشر را که این قوانین هم همه بر آن تسلّط داشت، بر می‌دارد یک تکانی می‌دهد که گرده‌هایش بریزد، می‌گذارد آنجا می‌گوید: «تو خلیفة اللّهی» / می‌گوید: «کره‌ی زمین تو در مقابل این عظمت الهی که طبیعت باشد، مثل یک ارزن است». یک ارزنی روی دریای قُلْزم / انسان از راهی که خداوند پیمود برای اینکه بشر را از دیگر جانداران ممتاز کند، همان راه را اگر خود بشر هم طی کند، آنوقت لیاقت خلیفة اللّهی دارد یا اینکه خود خداوند بدون توجّه و زحمات

یک موهبتی به او بدهد، اجازه بدهد/ معمولاً به هر اندازه که رنج این سفرِ مسیر سلوک را طی کنید به همان اندازه اجر می‌گیرید/ مسأله‌ی اذان خواندن به گوش طفل یک مسأله‌ای است که حکمتش را اگر بدانیم و توجه کنیم، خیلی خوب و مفید است که به منزله‌ی یک بیعتی تلقی می‌شود، برای اینکه هر بچه‌ای بداند که پدرش و مادرش و جدش همه در این راه بودند، همه مسلمان بودند و تسلیمش هستند/ در اذان گفتن به گوش بچه‌ها در واقع می‌خواهند بگویند که در بچه این حالت ایجاد بشود و بداند آن کسی که بزرگ و قتش است، نسبت به خود او هم پدری دارد و این را برای طفلِ صغیر هر چه زودتر انجام دهند، بهتر است. این است که اصراری نیست که حتماً من این آیات قرآن را بخوانم، پدرها همه از جانب من مختارند، نماینده‌اند که بگویند از طرف من این کار را می‌کنند و حال آنکه من همچنین جسارتی نمی‌کنم این دستور قرآنی است، دستور اسلامی است که اجازه می‌دهد پدر اوّل بار این کار را بکند. ۱۴

مسأله‌ی علاقه‌ی انسان به خاک وطن فطری و طبیعی است که در همه‌ی جانداران هست/ پرستش جز برای خدا

جایز نیست. ۲۲

مسأله‌ی اتصال به نمایندگان خداوند یعنی ائمه، یا نمایندگان ائمه، یک مسأله‌ی متفق‌القول است / به ریسمان الهی که خودش در بین مردم، بندگانش پخش کرده

متوسل شوید و تفرقه پیش نیاورید. ۲۶

خداوند به همه‌ی بندگان نظر دارد / ان شاء الله ما نیّت‌مان را پاک کنیم و قابل تحمّل و ظهورِ امام یعنی ظاهر بشود، شناخته بشود که الان این امام بر همه‌ی مردم پوشیده است و روزی آن امام، ظاهر خواهد شد اما بعد اگر مردم را مساعد دید، قیام خواهد کرد، خروج خواهد کرد. بر چه؟ بر ظلم‌ها و ظلم‌ها را همه از بین خواهد برد، نه ظالم را از بین خواهد برد نه! ظالم را آدم می‌کند، اصلاح می‌کند ولی

ظلم را از بین خواهد برد. ۳۲

در قلمرو مسائلی که خداوند به تشخیص و اختیار خود بندگان سپرده است، فقرا چون علاقه‌مندند در همه‌ی مسائل، از آن جمله در آن مسائل، با هم هماهنگ تصمیم بگیرند، غالباً دلشان می‌خواهد از من بپرسند که چه بکنیم، تا من راهنمایی‌ای بکنم و طبق آن همه رفتار کنند، بالتّیجه یک وحدتی می‌شود / دستور عمل خداوند این

است که **أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ**، بین خودتان مشورت کنید / فقرا
علاقه مند هستند که تصمیمات شخصی شان نیز منطبق با
هم و منطبق با دستور بزرگ و به اصطلاح پیشوایشان باشد. ... ۳۵
مسأله‌ی انتخاباتِ رئیس جمهور و خود رئیس جمهور در
این نوع سازمان در واقع اتصال شریعت است با طریقت.
اتصالِ وظایف فردی و وظایفِ اجتماعی است یعنی همه‌ی
ما یک وظایفِ شرعی به همراه همین وظایف مذهبی داریم
که انجام می‌دهیم / مسأله‌ی شرکت کردن در انتخابات یا
عدم شرکت در انتخابات، خودش یک وظیفه‌ای است
به عهده‌ی خود ماست. خودمان باید فکر کنیم و یک روشی
بگیریم منتها درویش‌ها چون با هم می‌خواهند روش‌شان
مثل هم باشد، نمی‌خواهند که تفرقه باشد حتی در مسائلِ
معمولی هم نمی‌خواهند که تفرقه بین‌شان باشد، این است
که صبر می‌کنند که یک تصمیم کلی بگیرند / گفتم شرکت
کردن در انتخابات، به منزله‌ی همان است که خداوند گفته
است **مؤمنین امرشان شُورَى بَيْنَهُمْ** کارهای شان در مشورت
بین خودشان است. این دستورالعملی است که درویش‌ها
دارند / درویش هم می‌خواهد مطابق اراده‌ی خودش رفتار
کند ولی وقتی می‌بیند همه‌ی درویش‌های دیگر یک‌طور

دیگر حرف می‌زنند غیر از نظرِ خودش، خودش نظر خودش را می‌گذارد زمین و طبق نظر آنها رفتار می‌کند. نه اینکه مجبور است، با اراده این کار را می‌کند. خودش می‌خواهد که اراده‌اش، کارش مطابق میل آنها باشد/ شما وقتی می‌خواهید فکر کنید که به عمرو رأی بدهید یا به زید رأی بدهید، نگاه می‌کنید کدامیکی به ما خدمت کردند، به ما درویشان، نه به عنوان خدمت به یک نفر و او را انتخاب می‌کنید برای اینکه می‌خواهید در آرامش باشید. ۳۹

فهرست جزوات قبل ۴۶

با توجه به آنکه حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنذب‌علیشاه) پاسخ نامه‌ها و سؤالات را، عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک‌تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطف نمایید مطالب جزوات بیانات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید. فقط کسانی جزوات را بگیرند که مطالعه می‌کنند، نه اینکه بگیرند و گوشه‌ای بگذارند.

خواهشمند است به منظور دسترسی هرچه بیشتر علاقه‌مندان به خصوص فقرا و سایر مؤمنین به این جزوه و سایر جزوات بیانات، در صورتی که بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید.

با توجه به آنکه تهیه‌ی جزوات بیانات، مستقل از هر مؤسسه‌ی خیریه و انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه‌ی اشتراک، با شماره‌ی تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

بدینوسیله از همه‌ی کسانی که در تکثیر این جزوه و سایر جزوات بیانات، توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

مطالعه‌ی جزوات از طریق سایت اینترنتی ذیل نیز امکان‌پذیر می‌باشد. در این سایت، جزوات به تفکیک و شامل: مجموعه‌ی جزوات گفتارهای عرفانی، مکاتیب عرفانی، گفت‌وگوهای عرفانی، شرح رساله شریفه پندصالح، شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)، شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق)، شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، اختلافات خانوادگی، حقوق مالی و عشریه، ذکر و فکر، بیعت و تشرّف، دعا، خواب و روبا، بیماری و شفا، روح، شیطان، امر به معروف و نهی از منکر، آداب حضور در مجالس فقری، پرسش و پاسخ‌های عرفانی، مصافحه، حجاب، عشق، خطبه‌ی سلسله‌الاولیاء، اتحاد و همدلی) و... می‌باشد. همچنین در این سایت امکان جستجوی موضوعی در خصوص مطالب مورد نظر، نیز وجود دارد.

WWW.JOZVEH121.COM

هر کسی نامه می‌نویسد یا مطلبی می‌گوید، توقع دارد که جواب آن را بدهم و لاقلاً همان پنج خط که او نوشته، من دو خط بنویسم. همان را هم نمی‌رسم. الان مدتی است دیگر تقریباً نمی‌توانم بنویسم. خواهش کردم به فهرستی از مطالب گفته شده که هر مرتبه پیاده می‌شود و منتشر می‌گردد نگاه کنند، حتماً راجع به مطلب سؤال شده، صحبت کرده‌ام. دیگران هم که سؤالات مشابه دارند استفاده کنند. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ ه. ش.

یکی پرسیده که دوبار نامه نوشته‌ام جواب ندادید. آخر می‌گویند التماس دعا، من جواب این را چه بگویم؟ جوابی ندارید. همان فرمایش حضرت صالح علیشاه که یکبار گفتم. فرمودند: همان لحظه‌ای که آنها سلام می‌رسانند، التماس دعا می‌گویند، همان لحظه، دعا و خواسته‌شان به ما رسیده است.

فرض کنیم از هر کسی یک سؤال می‌رسد. اگر در جواب اینها، یک خط هم بنویسیم، خود این یک کتاب بزرگی می‌شود. این است که توقع اینکه برای هر سؤال، خود آن شخص را بخواهیم و با هم صحبت کنیم، نمی‌شود این کار را کرد، نمی‌رسیم.

بنابراین درباره‌ی سؤال که در ذهنتان پیدا می‌شود، حتماً جواب داده‌ام. این جزوه‌هایی هم که درمی‌آید، برسید که چه موقعی جواب داده‌ام، همان را بگیرید بخوانید و بعد اگر پیدا نکردید آنوقت بیابید و برسید. مثلاً می‌نویسند شش بار نامه نوشتیم، جواب ندادید. بله، اگر

ده بار هم مطلبی که مربوط به من نیست را بنویسید، چه جوابی بدهم؟ برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

یک آیه‌ی کوچکی در قرآن هست، اگر ما دقت کنیم، نشان می‌دهد که هر چه ما بخواهیم در زندگی عادی مان خدا فراهم می‌کند. البته نه اینکه قدرت جادویی به ما داده باشد که ما تا بگوییم یک قصر شش طبقه می‌خواهیم شش طبقه اگر کم بود، پس بدهیم بگوییم نه آقا این شش طبقه نیست، پنج طبقه است زود یک طبقه به آن اضافه کنند، نه! اینطوری نیست. حالا که اینطوری شد، پس باید فکر کنید که خدا ما را فرستاده به این کره‌ی دور افتاده که از همه جا دور افتاده‌تر است. خداوند وقتی هم خواست آدم و حوا را بفرستد، اشاره کرد، گفت: «آن کره‌ی کوچک را می‌بینید آن گوشه؟ فرشتگان گفتند: بله! فرمود: «اینها را بگذارید همانجا». به این طریق ما می‌گوییم پس اگر اینطوری است، این همه بیماری چه هست که برای ما فرستاده؟ چه بیماری‌های ویروسی و به اصطلاح بیماری‌های عفونی و چه بیماری‌هایی که مال شکم‌بارگی خودمان است. ما اگر معتقد به خدا باشیم باید فکر کنیم که پس خداوند برای همین‌ها هم در دسترس ما دوا گذاشته یعنی اگر درد را فرستاده برای ما بیماری را فرستاده، درمان بیماری

و شفای آن درد را هم برای ما فرستاده باید فکر کنیم پیدایش کنیم. این بهداشتِ کامل اگر باشد، اینطوری است بله! بهداشت و مراقبت‌هایی که باید از خودمان بکنیم اینها همه همین است یعنی به ما هم فهمانده حواسی که به ما داده همین است.

جاهایی دیدید فرض کنید پرتگاه هست، چشم داده که ببینیم و روییم آنجا. همینطور جاهایی داده که غرش‌های عجیبی دارد، جنگل، حیوانات هستند به ما گوش داده بشنویم و فرمود نه! اینجا شیرزیاد دارد آنجا که می‌روییم می‌گوید مارزیاد دارد. پس همه‌ی چیزها را به این طریق برای ما فرستاده، آنوقت گفته است پس حالا که اینطوری است، من چطور نمی‌فهمم که نمی‌دانم چه کار باید بکنم که دل درد نگیرم؟ طبیب فرستاده البتّه اوّل گفته مواظب باشید رودل نگیرید یعنی پرخوری نکنید. این دستورات را که داده است، اگر رعایت کرده باشیم محتاج به پزشکی نیستیم در واقع این خلیفه که فرمود: *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً*^۱، نه اینکه هر چه بخواهد فوری یک کاخی بخواهد درست کند، فوری برایش فراهم بشود یا یک اتومبیل می‌خواهد بیاید در خانه بایستند، نه! یک فکری هم داده که فکر کنیم که چطور می‌شود؟ این قوه‌ی

تفکر و تعقل را هم داده بنابراین تمام نیروهایی که در بدن آفریده و به ما سپرده ما می‌فهمیم، درک می‌کنیم اینها را باید به موقع و به نحو مفید استفاده کنیم. گاهی ممکن است درک کنیم راه اینکه چطوری زندگی کنیم ولی گاهی اوقات نه! وسط کار می‌فهمیم که اشتباه کردیم ولی می‌خواهیم برگردیم بر نمی‌گردیم دیگر زمان به عقب بر نمی‌گردد در اینجاست، راهنما فرستاده یعنی توجّه هم دارد در ضمن اینکه برای بشر همه‌ی این دردها، گرفتاری‌ها، نقایص را آفریده غیر از آنکه به خودش اعتماد کرده به خود بشر گفته بگرد و راه حلّش را پیدا کن که ما همه‌ی این راه‌حل‌ها را پیدا کردیم. غیر از آن هم کسانی راهنما فرستاده حتّی برای امور معنوی هم راهنما فرستاده پیغمبران و ائمّه و بزرگان یک راهنماست. این است که یک نامه‌ای یک خانم دانشجویی به من نوشته بود من سنم این است و درس خواندم آیا اجازه می‌دهید، کدام راه بهتر است بروم ادامه بدهم همان دکتر نمی‌دانم هر دکتری، دکتر بشوم یا بروم دنبال خانواده؟ من همین مثال را برای او زدم گفتم خداوند هر نیازی که برای ما آفریده، خودش هم طریقه‌ی حلّش را آفریده باید از آن راه رفت در این مورد هم راه‌حل ازدواج است. بنابراین ازدواج مقدّم است بعد خیلی‌ها گوش ندادند بعد که گفتند ما

می‌رویم دنبال دکتری وقتی یک ورقه دکتری گرفتند، می‌گویند حالا رسیدیم. می‌خواهند که ازدواج کنند هیچکس حاضر نمی‌شود، هیچکس پیدا نمی‌شود. آنوقت دیگر وقت آن گذشته. هر چیز را در موقعش باید استفاده کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

بشر از زمره‌ی طبیعت است یعنی خداوندی که آفریده است و قوانینی گذاشته برای اداره‌ی اینها هم در مورد انسان‌ها توجه می‌شود و یک امر متضادش این است که خداوند همین بشری را که آن زیر بود و این قوانین هم همه بر آن تسلط داشت، بر می‌دارد یک تکانی می‌دهد که گرده‌هایش بریزد، می‌گذارد آنجا می‌گوید: «تو خلیفة‌اللهی». ما را چه به خلیفة‌اللهی؟ همه‌ی ما بشر هستیم یک عضوی از این طبیعت بزرگ، یکی مملکت خودمان، یکی در کره‌ی زمین خودمان، یکی در کُرّات دیگر همینطور در مجموع اینها یک ذره‌ای هستیم و وجوب این ذره است که آن به نظرم نمی‌دانم که هست کدامیکی از این بزرگان، خطاب به نوع انسان می‌فرماید: (اطلاعاتی که خود همین انسان دارد همش) کره‌ی زمینی که تو در آن زندگی می‌کنی، اینقدر بزرگ است که نمی‌شود حسابش را کرد و یک ارقامی هم گفته این کره‌ی زمین شما به این عظمت، همین کره‌ی زمین در دستگاه خدایی به رقص آمده یعنی خداوند گفته تکان بخور این است که تمام حرکات این کره‌ی زمین بر حسب امر الهی است. بعد در کره‌ی زمین که در مجموعه‌ی عالم هست، مثل

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰

ذره‌ای است می‌فرماید: که کره‌ی زمین تو در مقابل این عظمت مثل یک ارزن، ارزن شاید بعضی از شماها ندیده باشید می‌خواهید ارزن ببینید بروید گناباد و همه‌ی خراسان که ارزن هم نعمت خداست و ارزن به آن ریزی را پوست می‌کنند البته پوستش نه اینکه با دست با این «دنگ» می‌گویند اصطلاح خودشان پوست می‌کنند و می‌خورند این ارزن است این قدر ریز و کوچک. می‌گوید: «کره‌ی زمین تو در مقابل این عظمت الهی که طبیعت باشد، مثل یک ارزن است». یک ارزنی روی دریای قُلْزَم. روی این ارزن روی دریای قُلْزَم، ببینید چه چیزی دارد؟ تو خودت در کره‌ی زمین بین چه داری؟ کره‌ی زمین تو مثل یک ارزن است در مقابل این عظمت انسان است، در واقع این عظمت خلقت است و بعد می‌خواهد برسد به عظمت انسان، انسانی که در این کره‌ی زمین زندگی می‌کند، ببینید چقدر باید کوچک باشد ولی مع ذلک خداوند این انسان را مسلط کرده بر سایر توابع اش حتی کم‌کم تسلط بشر می‌رسد به جایی که بر کُرّات دیگر شمس و مریخ تسلط و حاکمیت داشته باشد. در مورد این عظمت بشر یک وقتی یک نویسنده‌ی خارجی مقاله‌ای نوشت که اشاره‌اش راجع به کرامول بود. کرامول یکی از وکلای مجلس بود در انگلستان که از دیکتاتوری امپراطور

نالید و دموکراسی می‌خواست. می‌گفت که دموکراسی باید باشد و با همین فکرش انقلاب کرد. انقلاب کرد، شورشی کرد و حکومت و قدرت را در دست گرفت. مدتی که گذشت دید خودش نمی‌تواند بطور معمولی اداره کند ناچار باید یک مقداری حيله به کار ببرد بعد همین کسی که خودش طرفدار آزادی بود که کودتا کرد و به حکومت رسید و البته اوایل هم همانطور بود که خودش گفته بود ولی کم‌کم افسار مردم را کشید و شد یک دیکتاتوری که مشهور شد به دیکتاتوری. همان کسی که مشهور شد به دیکتاتوری در عین قدرت مریض شد. مرضش سنگ کلیه بود، اطباء گفتند سنگ آورده سنگش چه هست؟ به اندازه‌ی ارزن همین سنگ ارزن موجب شد که همین آقای دیکتاتور با آن عظمت از بین برود. یک نوشته‌ای فیلسوفی بود در واقع نویسنده‌ی فیلسوف اولش به منزله‌ی یک ارزن بود خودش هم با یک ارزن از بین رفت این قدر و ارزش این جسم بدنی، روح که با ارزن از بین نمی‌رود آن جسم است. حالا شما هم هر وقت فکر می‌کنید در عظمت خودتان یا در اینکه از کجا آمده‌اید به قولی:

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

از من پرسیده بود از کجا آمده‌ام؟ آمدنم برای چه بود؟ من نمی‌دانم این سؤالی است که همه‌ی فیلسوفان از اوّل خلقت کردند تا حالا و جواب دقیقی به دست نیامده جزیک مقداری مثالی که با چشم دیده می‌شود با میکروسکوپ و اینها همین میکروسکوپ جزء طبیعت است. خود انسان هم جزء طبیعت است ولی با میکروسکوپ فهمید که سایر جهات از یکی از اعضای طبیعت را استخدام کرد و با آن، اجزای دیگر را شناخت، پسندید. در این وسط پس ما که شدیم یک عضو طبیعت، یک مهره‌ای از طبیعت فرق مان با مهره‌های دیگر چه هست که ما را اسم گذاشتیم نایب خداوند؟ اگر دقت کنید فرق پیدا می‌کنید، جاهایی که ما هم مثل خدا فکر می‌کنیم. خدا بشری که آفریده به جای خود طبیعت که آفریده در این طبیعت، شعور و عقل و استعداد گذاشته که آنها را به کار ببرند و راه‌های جدید را پیدا کنند این تفاوت انسان است با سایر موجودات. انسان از راهی که خداوند پیمود برای اینکه بشر را از دیگر جانداران ممتاز کند، همان راه را اگر خود بشر هم طی کند، آنوقت لیاقت خلیفة اللّهی دارد یا اینکه خود خداوند بدون توجه و زحمات یک موهبتی به او بدهد، اجازه بدهد.

در شرح حال آقای سلطان علی‌شاه که از مهمترین عرفای

قرون اخیر بودند نوشتند. آنوقت‌ها بعد از زحمات زیادی درویش‌ها می‌آمدند فرض کنید گناباد کجا بندرعباس کجا، از آنجا بلند می‌شد می‌آمد این بین راه هزار دزد به او می‌خورد. بطوری که بعضی دزدها ناامید می‌شدند هیچی نداشتند ناچار باید یک کمکی هم بکنند این را بفرستند. این در خاطر یکی از زوّار آمده بود شما که می‌دانید این عده می‌آیند به زیارت‌تان، یک جای دیگری در تهران بگیرید در جای نزدیک‌تری که امنیت داشته باشد. آقای سلطان‌علیشاه این جواب را به او داده بودند:

می‌توانم هم که بی این انتظار

ره دهم بنمایمت راه گذار

تا ازین گرداب دوران و ارهی

بر سر گنج وصالم پا نهی

لیک شیرینی و لذّات مقرر

هست بر اندازه‌ی رنج سفر

معمولاً به هر اندازه که رنج این سفر مسیر سلوک را طی کنید به همان اندازه اجر می‌گیرید. من جمله از نکات مهم این سیر همین چیزی است که امروز صحبت شد یعنی تفاوت انسان با سایر حیوانات. ان شاء الله خداوند ما را موفق بدارد که آنچه لازمه‌ی

اوست، زحمتش را بکشیم که به آن برسیم.

مسأله‌ی اذان خواندن به گوش طفل یک مسأله‌ای است که حکمتش را اگر بدانیم و توجّه کنیم، خیلی خوب و مفید است به خصوص شماها اگر توجّه کنید، برای من مفید است برای اینکه دیگر زحمت به من نمی‌دهید. در قدیم هم رسم بود از بشر اصلاً این رسم را از همان دوران کودکی حفظ کرده که وقتی کسی می‌آمد می‌خواست لشکری به لشکر دیگر حمله کرده بود، گرفته بود یا امثال اینها می‌آمدند با او بیعت می‌کردند یعنی دیگر ما تسلیم شدیم. آن گروهی که دشمنش بودند و جنگ می‌کردند، بیعت می‌کردند. مسأله‌ی اذان گفتن به گوش طفل هم یک مسأله‌ی بیعتی است یعنی از اوّل به گوشش می‌خواندند که تو بنده‌ی خدا هستی و آمدی اینجا اقرار می‌کنی که بنده‌ی خدا هستی غیر از اقرار حالا بعدها هم باید همیشه به مقتضای این اقرار رفتار کنی. این است که به منزله‌ی یک بیعتی تلقی می‌شود، برای اینکه هر بچه‌ای بداند که پدرش و مادرش و جدّش همه در این راه بودند، همه مسلمان بودند و تسلیمش هستند، بهترین است که پدرش این کار را بکند یعنی پدرش به

گوش راستش اذان بگوید به گوش چپش اقامه. منتها چون به گوش بچه می‌گویند باید بی‌صدا باشد. از جنبه‌ی روانشناسی و زیست‌شناسی هم یک فایده‌ای دارد که یک بار صحبت شده و حال این است که هنوز که بچه درک مستقلی ندارد از همان اول در ذهنش این صفات را گفتیم و این حالات مثل سنگ که روی سنگ، شعر بنویسند، اینطوری می‌شود و همین اشعار در خاطره‌اش می‌ماند یعنی در واقع می‌خواهند بگویند که در بچه این حالت ایجاد بشود و بداند آن کسی که بزرگ و قتش است، نسبت به خود او هم پدری دارد و این را برای طفلِ صغیر هر چه زودتر انجام دهند، بهتر است.

امروز هم با بررسی‌هایی که کردند، دیدند که کودک حتی قبل از وضع حمل ولی از وضع حمل به بعد مسلماً از اطرافیانش نقش‌پذیری می‌کند منتها چون شعور و قدرت ابرازش را ندارد، نمی‌تواند برود این هم همانطور. این است که اصراری نیست که حتماً من این آیات قرآن را بخوانم، پدرها همه از جانب من مختارند، نماینده‌اند که بگویند از طرف من این کار را می‌کنند و حال آنکه من همچنین

جسارتی نمی‌کنم این دستور قرآنی است، دستور اسلامی است که اجازه می‌دهد پدر اوّل بار این کار را بکند. حالا من فقط روز جمعه اذان می‌گویم سایر ایّام هستند برای اینکه بین همه تقسیم می‌شود. فقط روز جمعه اگر کسی آمد، اذان می‌گویم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

امروز یک اتوبوسی در واقع یک جمعیتی از بیدخت مهمان همه، مهمان من تنها نه که بیدختی هستم، همه‌تان هم بیدختی هستید. مهمان همه‌ی شما، آمدند، ان‌شاءالله به سلامتی فردا بعد از ظهر برمی‌گردند. من خدا بخواهد چون هر دیدی باز دیدی دارد، اینها به دیدن می‌آیند، من باید باز دید کنم از طرف همه‌ی فقرا، اخوانی که اینجا هستند.

مسأله‌ی علاقه‌ی انسان به خاک و وطن فطری و طبیعی است که در همه‌ی جانداران هست. حتی فرض کنید کبوتر از آن لانه‌ی خودش دل نمی‌کند که برود به کلی به جای دیگر. می‌رود آنجا، بعد شب که شد، یا موقع استراحت به منزل خودش برمی‌گردد. اگر بپرسند منزلت کجاست، نشانی همان جایی که شب‌ها استراحت می‌کند اسمش را گذاشته منزل، نشانی آنجا را می‌دهد. خلاصه البتّه درجاتی هم دارد.

اخوی آقای دکتر نعمت‌الله می‌گفت کسی در مشهد دیدن ایشان آمده بود و البتّه از رجالی بود که ظاهراً ارادت داشت و می‌آمد. بعد بطور بلند گفته بود من چون خدمت ایشان ارادت

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۱

داشتم ولی هرگز توفیق اینکه بیایم دیدنشان را نداشتم، در این دنیا الان خیلی به اصطلاح بی وطن‌ها اظهار علاقه کرده‌اند و وطن پرستی خودشان را اعلام کرده‌اند و من به اعتبار اینکه ایشان یک وطن پرست اصیل هستند آمده‌ام خدمتشان.

البته حضرت صالح علیشاه بطور کلی از آمدن اینها تشکر داشتند ولی یک جمله‌ای فرمودند که در این جریان آن بودیم، فرمودند ایشان یک اشتباهی کردند که من را گفته‌اند وطن پرست، حال آنکه من جز خداوند را نمی‌پرستم. چون او گفته بود شاه هم کسانی که محبت دارند، دوست دارند نه اینکه بپرستند. پرستش جز برای خدا جایز نیست، البته شاه هم درست است در آن ایام به ظواهر امر اشارت داشت به اینکه شاه همین کسی است که آنوقت‌ها هست ولی شاه واقعی تا حدی، او هم قابل پرستش نیست، قابل دوست داشتن، قابل مهرورزیدن و قابل اطاعت، قابلیت برای رهبری مردم دارد، پرستش جز برای خدا جایز نیست. حالا به هر جهت این آقایان هم روی محبت و روی دوستی و محبت و ارادتی که به سلسله داشتند و به مکتبشان داشتند تشریف آوردند.

ان شاء الله خداوند توفیقشان بدهد.

منتها یک اشتباهی گنابادی‌ها کرده‌اند، همه‌ی ماها و حال آنکه یکپارچه بودیم، خودمان تگه‌تگه کرده‌ایم. برای اینکه یکپارچه بودیم همه‌مان اهل در واقع یک آبادی بودیم. آبادی به نام گناباد. در همه‌ی تواریخ هم به اسم گناباد آمده. منتها کم و زیاد، که مردم آرام، ملایم گوشه‌گیری بودند و هرگز اهل آدم‌کشی و جنایت نبودند. حالا هم گنابادی‌ها همانطور هستند. ملایم، مردمان آرام و خوب. ما همین وضعیت را باید داشته باشیم. خودمان هم و من خودم الان گناباد را فراموش نمی‌کنم و خودم را اهل گناباد می‌دانم و هستم.

ان شاء الله که تا ما زنده‌ایم این گناباد ما هم باشد، زنده باشد، ان شاء الله.

بیدخت بعد در اثر یک اشتباهی که گنابادی‌ها همه کردند که ما ناچاریم بگوییم من اهل بیدخت گناباد هستم برای اینکه تا بگوییم گناباد، دو، سه نفر از آقایان می‌گویند... و حال آنکه آنها همه با ما هستند ولی گناباد در اصل بیدخت بوده و کاخک که در واقع شهر قدیم گناباد در همین جایی است که بوده. که «شهر» الان می‌گویند.

ان شاء الله سلامت باشید و همانطوری که خدا گفته زمین را

گذاشتیم که عمران و آبادش کنید یعنی زمین بیابان را، بیابان
گناباد را آباد کنید. به هر نحوی، به ساختمان، به زراعت، الان
بالنسبه آباد است، باید آبادتر از این هم بشود، ان شاء الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

مسأله‌ی اتصال به نمایندگان خداوند یعنی ائمه، یا نمایندگان ائمه، یک مسأله‌ی متفق‌القول است بین تمام فرقه‌ها و رشته‌های تصوّف و همه سلسله‌ی خود را به امام می‌رسانند.

به همین جهت هم در کتاب پند‌صالح دستور فرموده‌اند به اعتبار اینکه اینها خودشان را به امام می‌رسانند، عظمت امام آنقدر در اذهان ما مؤثر است که ما سایر موارد را فقط همینطوری رد می‌شویم بدون اینکه ایرادی و دشمنی به کار ببریم و حال آنکه رشته‌ها صحیح نیست.

به هر جهت سلسله‌ی گنابادی از چند جهت اتصال دارد. یک جهتش از زمان حضرت رضا ع است که نمایندگان امام تعیین شدند و آنها هم کسانی را تعیین کردند و این رشته رسید. یکی هم زمان یکی از ائمه، منتها در هر زمان، امام آنوقت گذشته را تأیید می‌کردند.

مثلاً معروف کرخی را فرض بفرمایید حضرت امام تعیین کرده بودند، امام رضا، یا بعدی را معروف تعیین کرده بود، مع‌ذلک امام محمّد تقی و امام علی‌التقی را اینها قبول داشتند و نمایندگان

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، میلاد حضرت قائم ع ۱۵ شعبان ۱۴۳۸ قمری مطابق با ۱۳۹۶/۲/۲۲ شمسی (جلسه برادران ایمانی)

آنها هم حساب می‌شد، به این طریق تا ائمه حیات داشتند و تا ظهور داشتند یعنی کسی تعیین می‌کردند، هر کسی به امام متصل بود ادعایش صحیح بود.

عمده ادعا اتصال به امام است. اما در مورد سایر رشته‌ها هم به همین طریق هر کسی که حتی در بین علماء، در بین بزرگان شریعت، وقتی خودشان را معرفی می‌کنند، نشان می‌دهند که شاگرد چه کسی بوده و آن شاگرد چه کسی و تا اینکه برسد به شاگردان امام.

البته شاگردان امام هم همین اخباری که گفته می‌شود، در همین اخبار، شما متن خبر را بخوانید، در هیچ جا نمایندگی کلی ندارند که در غیبت ما، چه کسی نماینده‌ی ماست.

فرمودند که: در غیبت ما هر کسی سؤالی دارد گرفتاری دارد از این اشخاص بپرسد و در این صورت آنها هم مجاز به معنای رشته‌ی اجازه نیستند و فقط در امور شریعتی است.

چون اخباری هست از منسوب به پیغمبر که فرمود جانشینان من دوازده نفر هستند. فرمود که: دوازده نفر هستند، بنابراین شیعیان همیشه منتظر نفر دوازدهم بودند تا نفر دوازدهم فرزندی است که از امام حسن عسکری به دنیا آمد.

این را ما امام دوازدهم می‌دانیم، امامی که دسترسی ما به او نیست ولی دسترسی به نمایندگان امام دارد.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۱، به ریسمان الهی که خودش در بین مردم، بندگانش پخش کرده متوسل شوید و تفرقه پیش نیاورید. که این خبری است که منسوب به یکی از ائمه هست یا پیغمبر، برای اینکه به این معنی همه‌ی آنها یک چیزهایی فرمودند.

بنابراین ما اعتقادمان به همین دوازده امام است و همین خبری که از پیغمبر نقل شده بود، که دوازده امام خواهیم داشت، تأیید می‌کند که این امام دوازدهم همانی است که منتظرش بودیم. تفاوت‌هایی که در اینجا پیدا شد، به عده‌ای می‌گویند که خود آن حضرت بعد از خاتمه‌ی امامت رحلت فرمود و حال آنکه ما می‌گوییم پیغمبر فرموده است همین دوازدهم، امام آخرین ماست و بعد از آن اگر امامی نباشد که خداوند مردم را بی‌جا رها نمی‌کند مثل حیواناتی.

به هر جهت، بعضی‌ها معتقدند می‌خواهند در حدیث، در آن حدیث، خللی وارد نکنند، معتقدند به آن دوازدهم،

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

منتها می‌گویند دوازدهم زاده نخواهد شد، بلکه دوازدهم یکی از همین بندگان خدا خواهد بود که خداوند عنوان دوازدهم به او خواهد داد. این هم یک سفسطه بی‌معنی است. برای اینکه فرق نمی‌کند اگر ما به وجود امام دوازدهمی معتقد شویم، دیگر چه فرق می‌کند که بدانیم این شخص پدرش چه کسی بود، مادرش چه کسی بود، نه، وقتی معتقد شدیم که آن امام است، هر چه خود او بگوید کافی است. کما اینکه در این زمینه من یک مباحثه‌ای داشتم در جوانی، با یکی از دانشجویان محققین اهل سنت، که او می‌گفت: من که معتقد به شیعه بودم که این امام زاده شده است از امام حسن عسگری، ولی او می‌گفت بله، امام زمان ظهور خواهد کرد ولی شخص معینی نیست. یکی از بندگان را خداوند مأمور خواهد کرد، که قیام کند و مسلمین را با هم جمع کند و آنوقت همه‌ی مسلمان‌های علاقه‌مند زیر پرچم او جمع خواهند شد.

گفتم: آیا به نظر شما آنوقتی که جمع بشود، من و شما دلمان

می‌خواهد که زیر پرچم او باشیم؟

گفت: مسلم است.

گفتم: من که دلم می‌خواهد ان‌شاءالله ظاهر بشود و من زیر پرچمش باشم.

او هم گفت: بله، من هم دلم می‌خواهد که زیر پرچمش باشم.

گفتم: پس این بحث بی‌جایی که موجب تفرقه شده، این را کنار بگذارید، ما دو نفر می‌خواهیم پیش همین امامی که ظهور کرده است و ما هم ان‌شاءالله جزء لشکرش هستیم، خواهیم رفت بعد از سلام و تحیّت از خود امام می‌پرسیم: «یا سیدی آیا تو سال‌ها به دنیا آمدی یا همان فرزند حسن عسکری هستی؟»

هر چه او گفت قبول داریم. اگر به امامت قبول داریم. دیگر اختلافی نیست. بنابراین، این اختلاف را از الان ظاهر نکنید.

خداوند به پیروان تمام ادیان خبر داده که ننالید از بی‌عدالتی و ظلمی که در دنیا هست من در آخرالزمان شما را از بی‌عدالتی و ظلم نجات خواهم داد.

به هر جهت، ما این عید را، این جشن را اگر واقعی بگیریم و معتقد باشیم، بهترین جشن است یعنی جشنی است که امید داریم

جزوه دویست و سی و هفتم / ۳۱

از او شعله‌ای به جامعه‌ی ما برسد و همه افروخته و مشتاق ظهور
این نور باشند، ان شاء الله.

ان شاء الله همه توفیق زیر پرچم این امام را داشته
باشیم، ان شاء الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

در تمام ادیان، ادیان الهی از طرفِ خداوند، مژده‌ی آسایش و آرامش داده البته این آسایش و آرامش به‌عنوان اختصاصی و به‌عنوان یک نفری برای افراد حاصل می‌شود. الان در فقرای خودمان خیلی‌ها هستند که بعد از تشرّف، تمام غم و غصّه‌هایشان را فراموش می‌کنند مثل اینکه حل شده باشد ولی خداوند به همه‌ی بندگان نظر دارد. ما خیال می‌کنیم خداوند مثلاً به یک نفر خیلی نظر دارد به یک نفر دیگر نه! خداوند از لحاظ آفریدن، همه‌ی اینها را مثل هم آفریده یعنی همان طریقی که ما زندگی، فردی ما یکی از افراد ما زندگی می‌کنیم، امام و پیغمبر هم به همان طریق زندگی می‌کنند یعنی باید غذا بخورند، باید تنفس کنند. اینها همه مثل هم است ولی ارزش و تفاوت در آن جایی است که انسان‌ها با هم متفاوتند. انسان‌ها بعضی‌ها صبور هستند، بعضی‌ها خیلی عجل هستند. خداوند به صبور اجر می‌دهد ولی به عجل، آن صبر و اجر را نمی‌دهد. وَاِلَّا در مورد خود وجود بشری هیچ فرقی نیست. بعد از قبول این مطلب، می‌پردازیم به نظریه‌ی ائمه و پیغمبران و خلاصه بزرگانی که از طرف خداوند مژده دادند که در

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، میلاد حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه ۱۵ شعبان ۱۴۳۸ قمری مطابق با ۱۳۹۶/۲/۲۲ شمسی (جلسه خواهران ایمانی)

آخرالزمان در وقتی که دیگر زمان‌های ناراحت‌کننده‌ی این دوران تمام می‌شود و همه‌ی زمان‌ها اجر دارد. آخرِ زمان‌هاست یعنی از آن زمان‌ها هیچ‌کدام نیست. در آن دوران وقتی شد، آنوقت خداوند کسی را همان موقع برای نگه‌داری و اداره‌ی جامعه تعیین می‌کند که آن شخص فعلاً امام غایب است، برای اینکه مردم خودشان لیاقتِ خودشان را امتحان کنند. آیا لایق چنین امامی و چنین دورانی هستند یا نیستند؟ اگر نیستند، خودشان را لایق یک همچنین ایامی قرار بدهند.

ان‌شاءالله خداوند به ما توفیق بدهد که ما با رفتارمان جزء لشکر امامت باشیم و اگر جزء لشکر امامت بشویم، خودمان پاسخ همه‌ی سؤالات خودمان را بلدیم ان‌شاءالله. اما اختلافاتی که در این مرحله پیش می‌آید، اختلافی نیست بیشتر شاید روی لجبازی است که همچنین اختلافی را من به یکی گفتم، گفتم ما هر دوی مان معتقد به امام زمان هستیم به من چه، به تو چه که این پدر و مادرش که هست از که به دنیا آمده که من بگویم از حسن بن علی است تو بگویی نه! یکی را خداوند پیدا می‌کند. آیا خداوند چیزهایی را که واجب است بدانیم و لازم است که بدانیم به ما تعلیم می‌دهد؟ ولی این چیزهایی که نمی‌دانیم و از ما مخفی

است، مسائلی است که مصلحت در این است که مخفی باشد. ان شاء الله ما نیت مان را پاک کنیم و قابل تحمل و ظهورِ امام، ما دعا می‌کنیم یکی ظهور و خروج. ظهور یعنی ظاهر بشود، شناخته بشود که الان این امام بر همه‌ی مردم پوشیده است و روزی آن امام آشکار خواهد شد، ظاهر خواهد شد اما بعد اگر مردم را مساعد دید، قیام خواهد کرد، خروج خواهد کرد. بر چه؟ بر ظلم‌ها و ظلم‌ها را همه از بین خواهد برد، نه ظالم را از بین خواهد برد نه! ظالم را آدم می‌کند، اصلاح می‌کند ولی ظلم را از بین خواهد برد، ان شاء الله.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.^۱

در قلمرو مسائلی که خداوند به تشخیص و اختیار خود بندگان سپرده است، فقرا چون علاقه‌مندان در همه‌ی مسائل، از آن جمله در آن مسائل، با هم هماهنگ تصمیم بگیرند، غالباً دلشان می‌خواهد از من بپرسند که چه بکنیم، تا من راهنمایی‌ای بکنم و طبق آن همه رفتار کنند، بالتّیجه یک وحدتی می‌شود. بطور مثال مثلاً، خوردن حلوای شیرین یا حلواارده در صبحانه خوب است، بد نیست، بعضی‌ها می‌خورند، بعضی‌ها نمی‌خورند، هیچ اختلافی نیست ولی وقتی که مثلاً شکر کم می‌شود و دولت می‌گوید شکر نداریم، حلواها کم می‌شود، همه یکنواخت ترک حلوا می‌کنند ولو اینکه این یک مسأله‌ی صرفاً انفرادی است ولی نتیجه‌ی آن یک تصمیم اجتماعی است که گرفته می‌شود، به این جهت هم می‌پرسند.

حالا چون به اصطلاح در واقع قدم عمده‌ی انتخابات یعنی تا حالا اعلان بوده است و تقسیم‌بندی افراد و جنگ و جدال بین خودشان ولی از امروز، اوّل وقتی است که مردم

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۳

باید فکر کنند و هفته‌ی آینده مثلاً تصمیم بگیرند. این است که امروز جلوه می‌کند. اما، ما از یک طرف می‌خواهیم در مسائل سیاسی دخالت نکنیم، از طرف دیگر مسأله‌ی انتخابات یک مسأله‌ی سیاسی است و حتی یک مسأله‌ی تکلیف الهی؛ برای اینکه خدا فرموده از صفات جامعه‌ی مؤمنین آن است که *أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ*^۱، کار خودشان، امرشان، با مشورت بین خودشان حل می‌شود؛ وقتی همه‌ی مردم یک تصمیمی بگیرند، آن تصمیم مورد تأیید خداوند هم واقع می‌شود.

توجه بکنید: «همه‌ی مردم»، نه اینکه «اکثریت مردم». بعد هم مسأله‌ی اکثریت پیش می‌آید که اینجا دیگر استنباطش کاری شرعی، فقهی، عرفانی است. باید انسان فکر کند آن دستوری که عملاً داده شده یعنی: *أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ*، در تصمیمات مهمی که جامعه می‌خواهد بگیرد، باید بین خودمان مشورت کنیم. *بَيْنَهُمْ*، یکی‌اش خود همان شخصی است که فکر می‌کند که چه بکنم، او باید با آن‌های دیگر مشورت بکند. *أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ*، کارهایشان با مشورت

با یکدیگر است ولی خیلی واجبات هست که به مناسبتی ترک می‌شود، یا تعویض می‌شود، مثلاً به جای اینکه با یک گروهی جنگ کنند، یا دفاع کنند، تسلیم می‌شوند، در این صورت امر جدیدی اتفاق افتاده ولی به هر جهت، دستور عملی خداوند این است که *أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ*، بین خودتان مشورت کنید. حالا البته ممکن است، بعضی‌ها بعد از مشورت تشخیص بدهند که نباید رأیی بدهند، آن تشخیص خودشان است ولی به هر جهت باید اول تشخیص بدهد و بعد از تشخیص مطابق آن تشخیص عمل کند. به علاوه فقرا علاقه مند هستند که تصمیمات شخصی‌شان نیز منطبق با هم و منطبق با دستور بزرگ و به اصطلاح پیشوایشان باشد. این است که فقرا جمع می‌شوند که تصمیم بگیرند. البته در این مسأله‌ی شرکت یا عدم شرکت، بعد از اینکه تصمیم به شرکت گرفته شد، انتخاب کسی را که باید به او رأی بدهند، ظاهراً به عهده‌ی خودش است ولی خیلی‌ها عمل نمی‌کنند؛ چون مهجورند، معذورند برای اینکه نمی‌توانند تمام جزئیات امر را رعایت کنند.

اینکه بعضی‌ها گفته بودند که ما، در انتخابات

سکوت می‌کنیم، چه می‌کنیم، نه! ما اصلاً به انتخابات کاری نداریم، البته به‌عنوان درویشی، به انتخابات کاری نداریم. در مجلس درویشی هیچ‌جا راجع به خصوصیات انتخابات، جنبه‌ی سیاسی‌اش و اینها هیچ حرفی زده نشود و نمی‌شود ولی به‌هرجهت شرکت کردن در انتخاب وظیفه‌ی اوّلیه‌ی الهی است برای اینکه مصلحت الهی اینطور اقتضاء کرده، چون مصلحت الهی تمام مصالح جهانی را در نظر دارد.

حالا امیدواریم این دفعه این انتخابات ان‌شاءالله صحیح باشد و آنطوری باشد که خداوند خواسته، ان‌شاءالله.

همیشه در اینطور انتخابات بعد از اتمامش، یک آسایش و راحتی درونی در بشر ایجاد می‌شود یعنی در واقع همان کسی که می‌خواستیم طرف مشورت باشد، با هم مشورت کنیم، حالا به صورت مستقلاً جداگانه هست و نظر می‌دهد. ان‌شاءالله موفق باشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

مسأله‌ی انتخاباتِ رئیسِ جمهور و خود رئیسِ جمهور در این نوع سازمان در واقع اتّصالِ شریعت است با طریقت. اتّصالِ وظایفِ فردی و وظایفِ اجتماعی است یعنی همه‌ی ما یک وظایفِ شرعی به همراه همین وظایفِ مذهبی داریم که انجام می‌دهیم. این وسط یک وظایفی هست که ما انجام می‌دهیم یا گاهی هم انجام نمی‌دهیم ولی معتقدیم جزء وظایفِ افراد است و این محتاج به تعریفش نیست چطور وظایفی است. خودتان فکر کنید! اگر خوب فکر کنید و مقید باشید به اینکه همه‌ی وظایف‌تان را انجام بدهید حتماً در موقعیتی گیر کردید که بفهمید در یک موردی که جلوی‌تان هست، وظیفه دارید اصلاً دخالت کنید یا نه؟ و آیا دخالت بکنید و وظیفه‌تان این طرفی است یا آن طرفی؟ اینها را خودتان باید فکر کنید، کاری است که به عهده‌ی خودتان است برای اینکه درویشی نمی‌خواهد که انسان‌ها سرخود باشند بلکه دلش می‌خواهد انسان‌ها به وسیله‌ی نماینده‌ی مستقیم یا غیر مستقیم خداوند اگر دستوراتی بدهند، آن

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۴

دستورات را انجام بدهند. این هست منتها بعد از رفتن پیغمبران و ائمه دیگر دست و بال مان به نماینده‌ی خدا نمی‌رسد، خودمان باید فکر کنیم و وظیفه مان را پیدا کنیم از روی دستورات و تکالیفی که این ائمه برای ما گذاشتند. درویشی هم در ضمن اینکه مهار انسان را می‌کشد و نمی‌گذارد که به یک سمت ناصحیحی تمایل پیدا کند ولی قوه‌ی ارادی فرد را از بین نمی‌برد برای اینکه بشر از یک طرف آفریده‌ی خداست. خدا آنچه در او آفریده و دستور به کار بردنش را داده، باید آنها را انجام داد و اگر بعداً وظیفه‌ای دارد یا وظیفه‌ای برای خودش می‌شناسد یا می‌خواهد یک کارهایی بشود، این را خودش می‌خواهد. بعد از آن وظایفی است که خداوند معین کرده و اراده از بین نمی‌برد.

فرض کنید همین مسأله‌ی شرکت کردن در انتخابات یا عدم شرکت در انتخابات، خودش یک وظیفه‌ای است به عهده‌ی خود ماست. خودمان باید فکر کنیم و یک روشی بگیریم منتها درویش‌ها چون با هم می‌خواهند روش‌شان مثل هم باشد، نمی‌خواهند که تفرقه باشد حتی در مسائل

معمولی هم نمی‌خواهند که تفرقه بین‌شان باشد، این است که صبر می‌کنند که یک تصمیم کلی بگیرند، نه اینکه جزء درویشی است. اگر در درویشی گفتند که البته آن هم بسته به این است چه کسی بگوید اگر آدم مطمئن و همچنین یک نفر که ما قبلاً شناخته‌ایم، نمایندگی الهی‌اش را بگوید، آن به منزله‌ی گفته‌ی نماینده‌ی الهی است، نه گفته‌ی یک فرد معمولی. این نمایندگی الهی را هم ما خودمان نمی‌دهیم، به که نماینده‌ی الهی بدهیم، نه! می‌رویم یاد می‌گیریم. حرف‌هایی یاد می‌گیریم از آنها، از علماء یک چیزهایی یاد می‌گیرند، درس‌هایی خواندند. ما هم یاد می‌گیریم اما اطاعت فقط از ائمه و نمایندگان ائمه می‌کنیم. در این میان مسأله‌ی انتخابات یک مسأله‌ای است که همه در آن فکر کرده‌اید. حتماً بین هر یک، دو نفر با هم یک بحث و جدلی پیش آمده که یکی گفته شرکت نکنیم، یکی گفته شرکت نکنیم. گفتم شرکت کردن در انتخابات، به منزله‌ی همان است که خداوند گفته است مؤمنین امرشان سُورَى بَيْنَهُمْ کارهای‌شان در مشورت بین خودشان است. این دستورالعملی است که درویش‌ها دارند منتها

درویش‌ها برای اینکه این دستورالعمل، یکنواخت اجرا بشود یعنی باز در آن تفرقه نباشد، همین دستورالعمل را می‌خواهند با هم اجرا کنند. در اینجا تفاوت یک درویش و غیر درویش پیدا می‌شود. درویش هم می‌خواهد مطابق اراده‌ی خودش رفتار کند ولی وقتی می‌بیند همه‌ی درویش‌های دیگر یک‌طور دیگر حرف می‌زنند غیر از نظر خودش، خودش نظر خودش را می‌گذارد زمین و طبق نظر آنها رفتار می‌کند. نه اینکه مجبور است، با اراده این کار را می‌کند. خودش می‌خواهد که اراده‌اش، کارش مطابق میل آنها باشد. با اراده این تصمیم را می‌گیرد ولی عدول از تصمیم قبلی خودش، آن هم با اراده بوده، با فکر بوده. اینجا یک حدّ دقیقی است، فاصله‌ی دقیقی است بین اختیارِ اَمّت و بین وظیفه‌ی درویشی، اینجا را باید دقّت کنید. سرخود تصمیمی نگیرید.

سرخود که می‌گوییم از این نظر فرض کنید «تنبلی»، درست است خداوند آفریده ولی مع‌ذک یک آفریده‌ای نیست که ما به او تسلیم بشویم، نباید به تنبلی تسلیم بشویم. آیا بروم رأی بدهم یا ندهم، همین که از اینجا بلند

شود چهار قدم برود آن طرف تر برگردد، تنبلی می‌کند. در اینجا رأی ندادنش غلط است برای اینکه از روی تنبلی این کار را کرده ولی یکی هست فکر می‌کند، می‌گوید: من اگر بروم عده‌ی زیادی هم بعد می‌آیند از من پیروی می‌کنند و رأی می‌دهند. رأی زیادتر که شد، چنان می‌شود، یک چیزهایی می‌شود که من آن نتایج را مضرّ می‌دانم. بنابراین برای اینکه به آن نتایج نرسم از اوّل رأی نمی‌دهم. می‌بینید دو نفر رأی ندادند، یکی از روی تنبلی رأی نداده، یکی از روی تفکّر و اینکه نخواسته آن اثرات رأی دادن، آشکار بشود. شما باید خودتان در هر مورد فکر کنید که این تصمیمی که می‌گیرید از روی چیست؟ آیا از روی مهربانی است؟ از روی علاقه به فلان ایکس است در مقابل دشمنی فلان ایگرگ؟ یا محض رضای خداست؟ ببینید که تصمیم‌تان مطابق امر الهی باشد. امر الهی هم این است که ماها بشریم با سایر بشرها در مثلاً ایران زندگی می‌کنیم یعنی مطابق مجموعه‌ی ایرانی‌ها ما هم یک ایرانی هستیم، آنطوری رأی بدهیم. بعد که این تمام شد، دیگر از آن به بعد فرمان الهی دارید، محتاج به تصمیم دیگری نیستید، زندگی معمولی‌تان. در

زندگی معمولی دیدید، در زندگی معمولی خودتان هیچ وقت به کسی نیاز ندارید. اینجا برمی‌گردد به آن فرمایش حضرت صادق که فرمود: «از لحاظ انتخابِ کارِ خیرِ بهترین خیرها را انتخاب می‌کنید و از لحاظ انتخابِ راهِ شرِّ بدترین شرها را انتخاب می‌کنید که بریزید دور». به هر جهت در اینجا رأی ندادن، یک مضرّاتی دارد و یک محاسنی. رأی دادن هم یک مضرّاتی، محاسنی. اینها را خودتان در ذهن باید مقایسه کنید، ببینید کدامش مهمتر است و مطابق اهمّیت آن رفتار کنید.

یادتان نرود از موارد بحرانی برای تعیین تکلیف همین یک مورد انتخابات و اینهاست که ما، در پیش داریم که این هم تمام می‌شود. ان شاء الله خداوند به خیر ما تمام بکند. مسلماً شما وقتی می‌خواهید فکر کنید که به عمرو رأی بدهید یا به زید رأی بدهید، نگاه می‌کنید کدامیکی به ما خدمت کردند، به ما درویشان، نه به عنوان خدمت به یک نفر و او را انتخاب می‌کنید برای اینکه می‌خواهید در آرامش باشید. این دیگر به عهده‌ی خودتان است. بنابراین من این توصیه را می‌کنم که حتماً شرکت بکنید، حالا چه کسی را انتخاب کنید به من ربطی ندارد، آن به تشخیص خودتان

است. یک کاری هم خدا خواسته که ما همه بتوانیم بفهمیم
وظیفه مان و کارهای مان را چطوری انجام دادیم؟ اگر خوب انجام
دادیم، می فهمیم و همینطور بد را. ان شاء الله خداوند در اقدامات
خیر موفق تان بدارد و اقدام شرّی هم اگر خدای نکرده تصمیم
گرفتید، انجام بدهید خداوند جلویش را بگیرد، ان شاء الله.

فهرست جزوات قبل

شماره مجموعه	عنوان	قیمت (تومان)
۱	جزوات ۱ الی ۱۲ شامل: گفتارهای عرفانی ^۱ زمستان ۱۳۸۶ الی تابستان ۱۳۸۷ / گفت وگوهای عرفانی ^۲ (شش مصاحبه در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) / مکاتیب عرفانی ^۳ از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۷۹ / جزوات موضوعی استخاره و مقدمه‌ی روز جهانی درویش و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	۸۰۰۰
۲	جزوات ۱۳ الی ۱۶ شامل: جزوات موضوعی خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول) و حقوق مالی و عُشریه (قسمت اول) / گفتارهای عرفانی مهرماه ۱۳۸۷ / مکاتیب عرفانی سال ۱۳۸۰ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	۱۰۰۰
۳	جزوات ۱۷ الی ۲۱ شامل: گفتارهای عرفانی پاییز ۱۳۸۷	۱۰۰۰
۴	جزوات ۲۲ الی ۲۵ شامل: شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت اول) / شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت اول) / شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت اول) / مکاتیب عرفانی سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)	۱۰۰۰
۵	جزوات ۲۶ الی ۲۹ شامل: گفتارهای عرفانی مرداد الی دی ماه ۱۳۸۷ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)	۱۰۰۰
۶	جزوات ۳۰ الی ۳۳ شامل: گفتارهای عرفانی زمستان ۱۳۸۷ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)	۱۰۰۰

۱. گفتارهای عرفانی: بیانات صبح‌های شنبه، یک‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه، جمعه و مناسبت‌ها.

۲. گفت وگوهای عرفانی: مجموعه‌ی مصاحبه‌ها.

۳. مکاتیب عرفانی: مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها.

۲۰۰	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران	-
۱۰۰۰	جزوات ۳۴ الی ۳۸ شامل: مکاتیب عرفانی سال‌های ۸۴-۱۳۸۲ / شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت دوم) / شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت دوم) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت اول)	۷
۱۰۰۰	جزوات ۳۹ الی ۴۳ شامل: مکاتیب عرفانی سال‌های ۸۷-۱۳۸۴ / شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت‌های سوم و چهارم) / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت دوم) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت دوم)	۸
۱۰۰۰	جزوات ۴۴ الی ۴۷ شامل: گفتارهای عرفانی فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت ششم)	۹
۱۰۰۰	جزوات ۴۸ الی ۵۲ شامل: گفتارهای عرفانی مرداد تا مهر ۱۳۸۹	۱۰
۱۰۰۰	جزوات ۵۳ الی ۵۷ شامل: گفتارهای عرفانی اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸ / گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت دوم: عرفان در کار اداری - بهار و تابستان ۱۳۸۹)	۱۱
۱۰۰۰	جزوات ۵۸ الی ۶۲ شامل: گفتارهای عرفانی خرداد و تیر ۱۳۸۸ / جزوات موضوعی درباره‌ی حقوق مالی و عُشریه (قسمت دوم) و خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت دوم) / گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت سوم، سال‌های ۸۹-۱۳۸۸) / رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت اول)	۱۲
۱۰۰۰	جزوات ۶۳ الی ۶۷ شامل: رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت‌های دوم الی چهارم) / گفتارهای عرفانی تیر ۱۳۸۸	۱۳
۱۰۰۰	جزوات ۶۸ الی ۶۹ شامل: گفتارهای عرفانی تیر الی شهریور ۱۳۸۸ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت‌های هفتم الی نهم)	۱۴
-	جزوه ۷۰: مُلَخَّص گزارشات در مورد عرفان (هدیه نوروزی ۱۳۹۰)	-
۱۰۰۰	جزوات ۷۱ الی ۷۹ شامل: گفتارهای عرفانی شهریور الی آذر ۱۳۸۸ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دهم)	۱۵

۵۰۰	جزوه ۸۰: شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق)	
۱۰۰۰	جزوات ۸۱ الی ۸۹ شامل: گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمتهای اول الی نهم) و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت یازدهم)	۱۶
۵۰۰	جزوه ۹۰: مکاتیب عرفانی (اسفند ۱۳۲۵ الی خرداد ۱۳۸۷)	
۱۰۰۰	جزوات ۹۱ الی ۹۹ شامل: گفتارهای عرفانی آذر الی اسفند ۱۳۸۸ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوازدهم)	۱۷
۵۰۰	جزوه ۱۰۰: شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد اول)	
۱۰۰۰	جزوات ۱۰۱ الی ۱۰۹ شامل: گفتارهای عرفانی فروردین الی خرداد ۱۳۹۰ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سیزدهم)	۱۸
۵۰۰	جزوه ۱۱۰: شرح رساله شریفه پندصالح (جلد اول)	
۱۰۰۰	جزوات ۱۱۱ الی ۱۱۹ شامل: گفتارهای عرفانی خرداد الی شهریور ۱۳۹۰ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهاردهم)	۱۹
۵۰۰	جزوه ۱۲۰: شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد اول)	
۵۰۰	جزوه ۱۲۱: درباره‌ی مزار سلطانی بیدخت و شرح زندگی و حالات اقطاب اخیر	
۵۰۰	جزوه ۱۲۲: شرح رساله شریفه پندصالح (جلد دوم)	
۵۰۰	جزوه ۱۲۳: فهرست موضوعی جزوات	
۵۰۰	جزوه ۱۲۴: درباره‌ی ذکر و فکر	
۵۰۰	جزوات ۱۲۵ الی ۱۲۹ شامل: گفتارهای عرفانی شهریور الی آبان ۱۳۹۰	۲۰
۲۰۰	جزوه ۱۳۰: درباره‌ی بیعت و تشرف	
۵۰۰	جزوات ۱۳۱ الی ۱۳۹ شامل: گفتارهای عرفانی آبان الی اسفند ۱۳۹۰ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پانزدهم)	۲۱
۵۰۰	جزوات ۱۴۰ الی ۱۴۹ شامل: گفتارهای عرفانی اسفند ۱۳۹۰ / پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب‌علیشاه)	۲۲
۲۰۰	جزوه ۱۵۰: شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد دوم)	

۵۰۰	جزوات ۱۵۱ الی ۱۵۹ شامل: جزوات موضوعی درباره‌ی دعا (قسمت اول) و درباره‌ی خواب و رویا (قسمت اول) و درباره‌ی بیماری و شفا/ پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت شانزدهم)	۲۳
۵۰۰	جزوات ۱۶۰ الی ۱۶۹ شامل: جزوات موضوعی درباره‌ی روح (قسمت اول) و درباره‌ی دعا (قسمت دوم) و درباره‌ی خواب و رویا (قسمت دوم) و درباره‌ی شیطان (قسمت اول) و درباره‌ی استخاره (قسمت اول) / پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)	۲۴
۲۰۰	جزوه ۱۷۰: رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) (قسمت اول)	
۵۰۰	جزوات ۱۷۱ الی ۱۷۹ شامل: جزوات موضوعی درباره‌ی آداب حضور در مجالس فقری (قسمتهای اول و دوم) و درباره‌ی روح (قسمت دوم) و درباره‌ی شیطان (قسمت دوم) و درباره‌ی استخاره (قسمت دوم) و درباره‌ی امریه معروف و نهی از منکر/ گزیده‌هایی از گفتارهای عرفانی بهار ۱۳۹۲ و فهرست فایل‌های متنی، صوتی و تصویری بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) (جزوه هارد اکسترنال شماره یک)	۲۵
۲۰۰	جزوه ۱۸۰: رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) (قسمت دوم)	
۵۰۰	جزوات ۱۸۱ الی ۱۸۹ شامل: گزیده‌هایی از گفتارهای عرفانی فروردین الی تیر ۱۳۹۳ و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هفدهم)	۲۶
۲۰۰	جزوه ۱۹۰: رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) (قسمت سوم)	
۲۰۰	جزوه ۱۹۱: پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) (قسمت اول)	

۲۰۰	جزوه ۱۹۲: پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) (قسمت دوم)	
۲۰۰	جزوه ۱۹۳: فهرست موضوعی جزوات (قسمت دوم)	
۲۰۰	جزوه ۱۹۴: شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد سوم)	
۲۰۰	جزوه ۱۹۵: درباره‌ی خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	
۵۰۰	جزوات ۱۹۶ الی ۲۰۵ شامل: گزیده‌هایی از گفتارهای عرفانی مرداد، شهریور، مهر و آبان ۱۳۹۳	۲۷
۵۰۰	جزوات ۲۰۶ الی ۲۱۵ شامل: پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)	۲۸
۲۰۰	جزوه ۲۱۶: شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد دوم)	
۲۰۰	جزوات ۲۱۷ الی ۲۱۹ شامل: پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) و شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هجدهم)	۲۹
۲۰۰	جزوه ۲۲۰: درباره‌ی تربیت فرزندان	
۲۰۰	جزوه ۲۲۱: شرح رساله شریفه پندصالح (جلد سوم)	
۲۰۰	جزوات ۲۲۲ الی ۲۲۵ شامل: مجموعه دستورات العمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت سوم، چهارم و پنجم) و درباره‌ی مصافحه	۳۰
۲۰۰	جزوات ۲۲۶ الی ۲۲۹ شامل: درباره‌ی حجاب، گزیده‌هایی از گفتارهای عرفانی (از بیانات سال ۱۳۹۵)، درباره‌ی عشق (قسمت اول و دوم)	۳۱
۲۰۰	جزوات ۲۳۰ الی ۲۳۳ شامل: درباره‌ی خطبه‌ی سلسله‌الاولیاء و درباره‌ی اتحاد و همدلی (قسمت اول، دوم و سوم)	۳۲
۱۵۰	جزوات ۲۳۴ الی ۲۳۶ شامل: گزیده‌هایی از گفتارهای عرفانی فروردین ۱۳۹۶ (قسمت اول و دوم) و اردیبهشت ۱۳۹۶ (قسمت اول)	